

نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۸۸

تحلیل وضعیت موجود ساماندهی نهادهای فرهنگی کشور با نگاهی به مفهوم و مبانی مهندسی فرهنگی

دکتر غلامرضا گودرزی^P

محمد شیخ زاده^{PP}

چکیده

موضوع فرهنگ با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی، سخنان امام عزیز (ره)، تأکید مقام معظم رهبری و همچنین ابعاد و مؤلفه‌های آن در آینده کشور، از حساسیت و جایگاه بالایی برخوردار است. به همین دلیل در مطالعات و تحقیقات گوناگون به فرهنگ، سازمان فرهنگی و اخیراً مهندسی فرهنگی پرداخته شده است. شاید بتوان ادعا کرد که سازمان و نهادهای فرهنگی بیشترین تأثیر را در رشد و شکوفایی و یا رکود و سستی فرهنگ یک جامعه دارند، هرچند که نباید از نقش نیروها و محتوای فرهنگی نیز غافل بود.

مقاله حاضر خلاصه‌ای از گزارش طرح تحقیقاتی مؤلف در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی جهت بررسی وضعیت موجود سازمان‌های فرهنگی کشور است که سعی دارد با نگاهی آینده‌نگرانه به آسیب‌شناسی نحوه ساماندهی آنها فارغ از عملکردشان بپردازد. در حقیقت وضعیت موجود با نگاه به کارکردها بازبینی و تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها

سازمان فرهنگی، نهاد فرهنگی، مهندسی فرهنگی، مدیریت فرهنگی، ارزیابی سازمان فرهنگی

^P استادیار دانشگاه امام صادق (ع)

^{PP} دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه تهران

مقدمه

بی‌شک انقلاب اسلامی انقلابی فرهنگی بود که معمار آن در اولین مراحل قیام خود ناسازگاری نظام فرسوده و فاسد را با اهداف عالیه اسلامی و ایرانی که همان مبانی انقلاب بودند، نشان داد و سعی در مهندسی مجدد آن کرد. سپس طی یک فرایند طولانی مملو از مبارزه و ایثار نظام مقدسی را بنیان نهاد. لذا ارزش و جایگاه بحث فرهنگ در شکل‌گیری و پیشبرد جامعه اسلامی مشخص می‌شود و تأکیدات متعدد مقام معظم رهبری بر اهمیت آن می‌افزاید. ضمن اینکه نیل به اهداف فرهنگی چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور که مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های والای اسلامی و ایرانی است، مستلزم تحول و پویایی در همه ابعاد اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع و در نتیجه دستگاه‌های زیر مجموعه آنهاست. به همین دلیل مقاله حاضر که مرتبط با مهندسی فرهنگی و ترسیم نقشه فرهنگی کشور است، با هدف ترسیم وضعیت موجود نهادهای فرهنگی کشور تدوین شده است. در ابتدا لازم است تا نگاهی هرچند گذرا، به مبانی و مفهوم مهندسی فرهنگی و نهادهای فرهنگی داشته باشیم.

بخش فرهنگ و مدیریت فرهنگ

مفهوم بخش فرهنگ، از یک سو برآیند اجتناب‌ناپذیر برنامه‌های جامع توسعه و از سوی دیگر معلول گسترش وظایف دولت در قبال شهروندان است. دولت‌ها برای مدیریت بر جامعه و اعمال کنترل بر تغییرات اجتماعی و جهت‌دار نمودن آن و حفظ انسجام اجتماعی، ناگزیرند که امور جامعه و زندگی اجتماعی را به واحدهای کوچک‌تر تجزیه کنند و اداره امور مربوط به آنها را به یک یا چند واحد دولتی بسپارند. لذا به مجموعه ساختار و برنامه‌های دولت در زمینه فرهنگ، بخش فرهنگ گفته می‌شود. (خالقی، ۱۳۸۶: ۷۵)

البته دولت قادر نیست که تمام عناصر و اجزاء فرهنگ را به واحدهای عملیاتی تجزیه کند. اینکه دولت چه اجزایی از فرهنگ را جذب و در نهایت به چه فعالیت‌هایی تجزیه

تحلیل وضعیت موجود ساماندهی نهادهای فرهنگی کشور ... ■ ۱۲۱

می‌کند به ماهیت دولت، سطح توسعه عمومی، تصمیم‌گیری‌های مدیران ارشد جامعه و همچنین سطح فناوری موجود و در دسترس بستگی دارد.

مدیریت فرهنگی کلیه فرایندها، اقدامات و رویه‌هایی است که با هدف برنامه‌ریزی یا سازماندهی، نظارت، هدایت، هماهنگی، تنظیم، اداره و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی شکل می‌گیرند. ساختار مدیریت فرهنگی را معمولاً نمی‌توان بر اساس ملاحظات نظری شناسایی و تحریر کرد، چون همواره تابعی از ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و سیاست‌ها و برنامه‌های کلی و عمومی دولت‌ها و ایدئولوژی‌های حاکم بر نظام‌های اجتماعی است. از این نکته نیز نمی‌توان غافل شد که ساختار مدیریت فرهنگی با میزان توسعه و پیشرفت عمومی جامعه هماهنگ است.

در بسیاری از کشورها ممکن است بخش مستقلی به عنوان بخش فرهنگ وجود نداشته باشد، و یا در بعضی از کشورهای بسیار پیشرفته دولت خود را متعهد یا مکلف به هدایت و حمایت از فرهنگ و هنر نداند و کلیه امور را به بخش خصوصی واگذارد (ایالات متحده). بنابراین ساختار مدیریت فرهنگی در جوامع مختلف نه تنها با یکدیگر تفاوت دارد، بلکه در یک جامعه و در زمان‌های مختلف نیز ممکن است ابعاد متفاوتی داشته باشد.

سازمان فرهنگی

متأسفانه متخصصان کمتر به تعریف و تبیین ابعاد یک سازمان فرهنگی پرداخته‌اند. براساس تعاریف موجود از فعالیت‌های فرهنگی چنین برداشت می‌شود که سازمان فرهنگی سازمانی است که مأموریت و یا وظایف اصلی خود را از میان فعالیت‌های فرهنگی انتخاب کرده است. (همان: ۸۱) لذا در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان سازمان فرهنگی را سازمانی دانست که به فعالیت‌های زیر اشتغال دارد:

۱. چاپ و نشر کتاب

۲. چاپ و نشر نشریات ادواری

۱۲۲ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

۳. کتابخانه‌های عمومی، مراکز اسناد و مدارک و دایرةالمعارف‌ها

۴. سینما، عکاسی، تئاتر و هنرهای نمایشی

۵. موسیقی

۶. هنرهای تجسمی

۷. هنرهای سنتی و صنایع دستی

۸. فعالیت‌های تبلیغ دینی

۹. ورزش و تربیت بدنی

۱۰. رسانه‌های جمعی سمعی و بصری

۱۱. میراث فرهنگی

۱۲. گردشگری

۱۳. فعالیت‌های تفریحی مرتبط با طبیعت

دولت برای مدیریت و اعمال کنترل بر این بخش، حفظ انسجام و جهت‌دار نمودن فعالیت‌های فرهنگی، ناگزیر است که اداره امور فرهنگی را به یک یا چند سازمان دولتی بسپارد. در خصوص مجموعه سازمان‌های فعال در حوزه فرهنگ ذکر دو نکته ضروری به نظر می‌رسد:

الف) سازمان‌های فرهنگی، در سطوح مدیریت متفاوت فعالیت می‌کنند.

ب) سازمان‌های فرهنگی لزوماً دولتی نیستند. در واقع، با توجه به جایگاه فرهنگ، انقلاب و ارزش‌ها در جامعه، سازمان‌های متنوع نیمه‌دولتی و غیردولتی فرهنگی شکل گرفته‌اند.

مهندسی فرهنگی

شاید بتوان گفت اصلی‌ترین عنصر و جزء یک سازمان و یک جامعه فرهنگ است. همان‌گونه که حیات و رشد موجودات در محیط زیست طبیعی و مشترک آنها امکان‌پذیر است، افراد، سازمان‌ها و جوامع نیز در محیط زیست فرهنگی می‌توانند به حیات و رشد ادامه

مدیریت نیز بدون حیات در بستر فرهنگ و جامعه معنا پیدا نمی‌کند. به عبارت دیگر K نمی‌توان یک نظریه مدیریتی را زنده و پویا دانست، مگر اینکه در قالب فرهنگ و برای یک جامعه و محیط مشخص تبیین شود. رابطه بین فرهنگ، مدیریت و جامعه نظیر رابطه ماهی، آب و اکسیژن است. هنگامی حرکت ماهی زیبا و معنادار است که در بستر آب شنا کرده و از اکسیژن موجود در آب تنفس کند و گرنه حرکت آن در بیرون از آب صرفاً تقلای برای زنده ماندن بوده و اکسیژن هوا نیز دوی مرگش نخواهد بود. نظریات مدیریت نیز بدون اجرا و استقرار در یک فرهنگ و جامعه معنی خاصی ندارد و صرفاً حروف و عباراتی کلی هستند که صحت و سقم آنها قابل ارزیابی نیست، لذا وجود یک نظریه مدیریتی در یک فرهنگ خاص و اجرا در فضای جامعه می‌تواند زیبایی‌ها و ارزش‌های آن را نمایان سازد. بسیاری از یافته‌های مدیریت در یک فرهنگ و محیط خاص، علی‌رغم وجود مشترکات در فرهنگ و جامعه‌ای دیگر تفاوت‌هایی دارند. عدم توجه به این نکته به ظاهر روشن مبنای مشکلات اجرایی بسیاری از مباحث و نظریاتی است که امروزه در قالب انواع مدل‌ها و روش‌های مدیریتی مطرح می‌شود. (گودرزی، ۱۳۸۶)

نکته مهم دیگر در بحث فرهنگ بحران فرهنگی و مدیریت آن است. جوامع در حرکت مستمر در مسیر پیچیده‌تر شدن و تعمیق مسائل، گرفتاری‌ها و معضلات هستند. صیانت از جامعه در برابر بحران فرهنگی وظیفه اساسی دولت است. اما ویژگی این بحران‌ها خاصه خزندگی، نامرئی بودن و تأثیرات بلندمدت ناشی از آنها بر حساسیت و دشواری کار می‌افزاید. به طوری که دولت‌ها به تنهایی توان صیانت از فرهنگ را نداشته و نیازمند مشارکت عمومی هستند.

در عرصه فرهنگ هر رخداد و واقعه‌ای که باعث شکستن هنجارها، تخریب ارزش‌ها، خروج از انضباط اجتماعی و به مخاطره افتادن مبانی اعتقادی و بالتبع منافع مادی و معنوی جامعه شود، یک بحران فرهنگی است. (همان) مواجهه با چنین رخدادی نیازمند برخورداری

۱۲۴ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

از یک مدل مدیریت بحران فرهنگی است. نقش و اهمیت مهندسی فرهنگی به مثابه یکی از مدل‌های کارکردی و مهم در مقابله با بحران‌های فرهنگی بی‌بدیل و البته ضروری است. البته همواره یک سؤال اساسی وجود دارد و آن این است که رویکرد درست در مهندسی و مدیریت فرهنگی چیست و آیا اصولاً فرهنگ مهندسی می‌شود؟

مقام معظم رهبری در این خصوص فرمودند: «ما نمی‌خواهیم با نگاه افراطی به مقوله فرهنگ نگاه کنیم، بایستی نگاه معقول اسلامی را ملاک قرار داد و نوع برخورد با آن را بر طبق ضوابطی که معارف و الگوهای اسلامی به ما نشان می‌دهد، تنظیم کرد. برخورد افراطی از دوسو امکان‌پذیر است. یکی از این طرف که ما مقوله فرهنگ را مقوله غیرقابل اداره و غیرقابل مدیریت بدانیم، مقوله‌ای رها و خودرو که نباید سر به سرش گذاشت و وارد آن شد. متأسفانه این تفکر هست و عده‌ای طرفدار رها کردن و بی‌اعتنایی و بی‌نظارتی در امر فرهنگ هستند. این تفکر، تفکر درستی نیست و افراطی است. در مقابل آن تفکر افراطی دیگری وجود دارد که سخت‌گیری خشن و نظارت کنترل‌آمیز بسیار دقیق است. این تفکر هم به همان اندازه غلط است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۱۰/۲۱)

با توجه به این جملات مشخص است که مهندسی فرهنگی در بستری خاص معنا دارد و آن راهبری و مدیریت فرهنگ جامعه به دور از سخت‌گیری آمرانه و یا تسامح لجام‌گسیخته و بلکه هدایتی مدبرانه، آینده‌نگرانه و توأم با صبر و حوصله است.

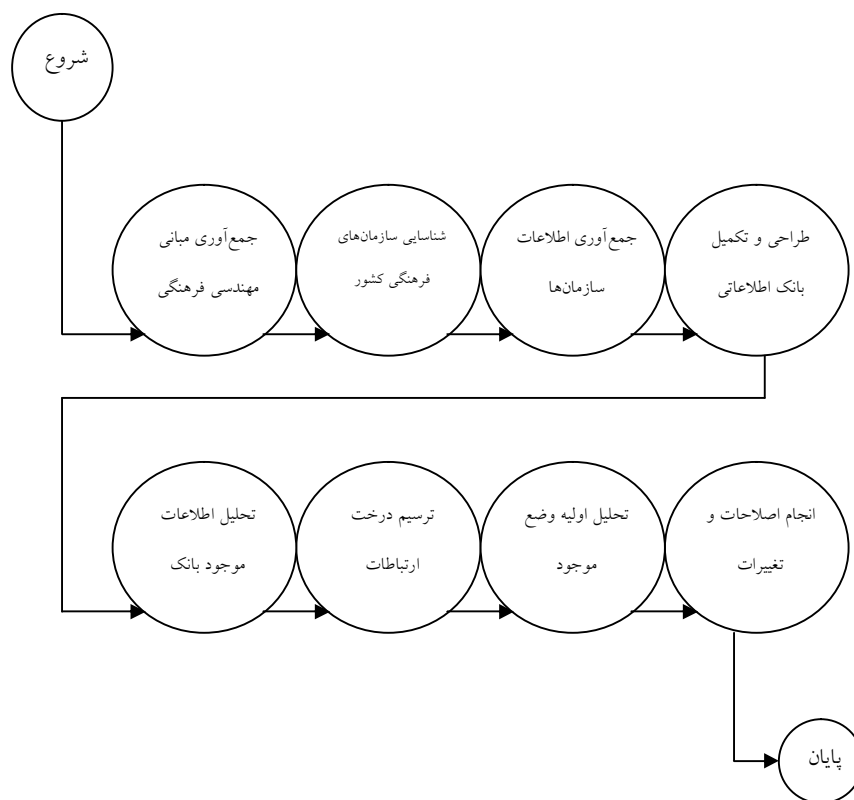
اصولاً هر جامعه‌ای بایستی براساس اهدافش مسیر حرکت خود به سوی آینده را ترسیم، مهندسی و راهبری کند. و البته در این مهندسی با توجه به شرایط آن جامعه یکی از ارکان سیاست، اقتصاد، فرهنگ و یا علم و فناوری ارجحیت یافته و اساس ساماندهی بقیه اجزا می‌شود.

تحلیل وضعیت سازمانها و نهادهای فرهنگی کشور

بدون تردید برای مهندسی و راهبری فرهنگ کشور یکی از فرایندهای اساسی بررسی و

تحلیل وضعیت موجود ساماندهی نهادهای فرهنگی کشور ... ■ ۱۲۵

تحلیل وضع موجود سازمانها و نهادهای فرهنگی کشور است. زیرا با تحلیل درست وضع موجود است که می‌توان شکاف بین آن و وضع مطلوب را ارزیابی کرد تا برای رسیدن به نقطه آرمانی نقشه راه تهیه نمود. به همین دلیل در راستای ترسیم وضعیت موجود طرحی مطالعاتی در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور تعریف و اجرا شد. در این طرح ابتدا مبانی مهندسی فرهنگی و مؤلفه‌های اصلی آن با توجه به مطالعات و تحقیقات پیشین جمع‌آوری و طبقه‌بندی شد. و سپس مراحل مختلف وضع موجود طبق الگوی شکل ۱ ترسیم شد.



شکل ۱. الگوی عملیاتی تحقیق

۱۲۶ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

برای تحلیل وضعیت موجود سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی کشور در گام نخست این موارد احصاء و شناسایی شدند. این فعالیت با کمک بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای متولی، خاصه شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برای تهیه یک فهرست اولیه از مجموعه سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی کشور همراه بود. لازم به ذکر است که منظور گروه مطالعاتی از واژه نهاد فرهنگی تعاریف موجود در قوانین برنامه و مطالعات در دسترس گروه در شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده است.

البته در مطالعات دیگر دستگاه‌های بخش فرهنگ کشور از ابعاد ذیل مورد طبقه‌بندی قرار گرفته‌اند: (خالقی، ۱۳۸۶: ۹۳)

- سطوح مدیریت فرهنگی

- تخصیص بودجه

- حوزه‌های فرهنگی کشور

به لحاظ سطوح مدیریت فرهنگی، برپایه مواد ۲ و ۱ قانون برنامه سوم توسعه، سطوح مدیریت سازمان‌های دولتی به دو دسته کلی قابل تقسیم هستند که عبارتند از:

الف) امور راهبردی: شامل فعالیت‌های سیاستگذاری برنامه‌ریزی کلان، هدایت و نظارت

ب) امور اجرایی: مسئولیت انجام امور اجرایی به عهده واحدها و سازمان‌های استانی و شهرستانی (منطقه‌ای و محلی) است.

لذا می‌توان بر این اساس مدیریت سازمان‌های فرهنگی کشور را نیز به دو سطح کلی مدیریت امور راهبری و مدیریت امور اجرایی بخش فرهنگی تقسیم کرد. البته، تفکیک سازمان‌ها بر اساس امور راهبری و اجرایی قدری مشکل است. زیرا تعدادی از دستگاه‌های راهبر به دلایلی درگیر فعالیت‌های اجرایی شده‌اند و از طرف دیگر، تعدادی از سازمان‌های اجرایی اقدام به سیاستگذاری می‌کنند.

اما از منظر تخصیص بودجه اگر یک دستگاه اجرایی قسمت اعظم بودجه خود را در

تحلیل وضعیت موجود ساماندهی نهادهای فرهنگی کشور ... ■ ۱۲۷

قالب یک یا چند فصل از فصول چهارگانه فرهنگ و هنر، اطلاعات و ارتباطات جمعی، جهانگردی، تربیت بدنی و امور جوانان و برنامه‌های ذیل این فصول دریافت کند، می‌توان دستگاه اجرایی مذکور را دستگاه فرهنگی نامید. البته لازم است به این نکته اشاره شود که مؤسسات و سازمان‌های فرهنگی کشور منحصر به سازمان‌ها و مؤسساتی نیستند که اعتبارات خود را در قالب این فصول چهارگانه دریافت می‌کنند. تعدادی از ساختارهای مدیریت فرهنگی از اعتبارات فصول چهارگانه و بلکه از بودجه عمومی دولت تغذیه نمی‌شوند. و اما در نهایت به لحاظ حوزه‌های فرهنگی کشور با توجه به ساختار سازمان‌های فرهنگی، نحوه تشکیل، نظارت و تأمین بودجه آنها می‌توان حوزه‌های خاصی جهت سازمان‌ها و مراکز فرهنگی در قالب شش حوزه ارائه داد که عبارتند از:

حوزه رهبری

حوزه ریاست جمهوری

حوزه فرهنگ و ارشاد اسلامی

حوزه آموزش پیش از دانشگاه

حوزه آموزش عالی

نهادهای نیمه دولتی

اما در این تحقیق مبانی دیگری برای تقسیم‌بندی سازمان‌های فرهنگی استخراج و در طوفان ذهنی با حضور کارشناسان نهایی شد. سازمان‌ها به گروه‌های ذیل تقسیم می‌شوند:

۱. سیاستگذار (به معنای غیر اجرایی)

۲. آموزشی

۳. پژوهشی

۴. تبلیغی

پس از شناسایی اولیه نهادهای فرهنگی کشور و تقسیم‌بندی آنها در گروه‌های چهارگانه، نوبت به جمع‌آوری اطلاعات مربوط به نهادهای فرهنگی از منابع مختلف، به‌خصوص خود

۱۲۸ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

سازمان‌ها شد. در این مرحله ۴۲۲ سازمان و نهاد فرهنگی شناسایی شدند. پس از این مرحله نقش و روابط حاکم بر نهادهای فرهنگی بر اساس الگوی تعریف شده در قالب موارد ذیل تعیین شد:

۱. سیاستگذار

۲. برنامه‌ریز و ناظر

۳. پشتیبان تخصصی

۴. پشتیبان عمومی

و با توجه به این مطالب یک ماتریس ۳*۴ به صورت جدول ۱ برای مؤسسات و نهادهای فرهنگی اجرایی و دارای کارکردهای عملیاتی به دست آمد. لازم به ذکر است این ماتریس برای سازمان‌های سیاستگذار موضوعیت نداشت.

جدول ۱. ماتریس عملیاتی سازمان‌های فرهنگی

نقش / زمینه فعالیت	آموزشی	پژوهشی	تبلیغی
سیاستگذار			
برنامه‌ریز و ناظر			
پشتیبان عمومی			
پشتیبان تخصصی			

در این جدول در هر خانه نهاد مورد نظر قرار گرفت. البته بعضاً یک نهاد در چند خانه استقرار یافت. به عنوان نمونه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم نقش سیاستگذاری، هم برنامه‌ریزی و هم پشتیبانی عمومی و تخصصی را برای نهادهای گوناگون برعهده داشت. گام بعدی طراحی نرم‌افزار و بانک اطلاعاتی جهت ترسیم روابط میان نهادهای فرهنگی بود. شاید سخت‌ترین کار در این مرحله تدوین ارتباطات میان نهادهای فرهنگی بود. برای تعیین نوع ارتباط فعالیت‌های ذیل صورت گرفت:

تحلیل وضعیت موجود ساماندهی نهادهای فرهنگی کشور ... ■ ۱۲۹

۱. شرح وظایف، اهداف و اساسنامه نهادهای فرهنگی به دقت مطالعه شد و در مواردی که از لفظ سیاستگذاری و یا واژگان مدیریتی نظیر آن مانند راهبری استفاده شده بود، نتیجه‌گیری شد که این نهاد برای چه سازمان‌هایی نقش سیاستگذاری دارد. مثلاً اگر به شرح وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دقت شود می‌بینیم که در بند ۲۹ آن آمده است که این وزارتخانه وظیفه تنظیم سیاست‌های کلی فرهنگی، هنری، سینمایی کشور و ارائه آنها به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب با رعایت اصل ۷۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را برعهده دارد. لذا استنباط گردید که این وزارتخانه وظیفه سیاستگذاری برای بنیاد سینمایی فارابی و خبرگزاری جمهوری اسلامی را برعهده دارد.

۲. در مواردی که یک نهاد فرهنگی مانند الف به نهادی دیگر مانند ب وابسته است (از نظر حقوقی و یا تشکیلاتی) در بانک اطلاعاتی نهاد ب برای الف سیاستگذار و پشتیبان تخصصی لحاظ شد.

۳. اگر در شرح وظایف، اهداف و اساسنامه نهادهای فرهنگی لفظ حمایت و یا مساعدت از یک نهاد فرهنگی لحاظ شده بود، در بخش پشتیبانی عمومی و به فراخور موضوع پشتیبانی تخصصی منظور شد.

مرحله بعدی استخراج همپوشانی‌ها، نقش‌های تکراری و سایر جنبه‌های مورد توجه در وضع موجود بود. بدین منظور دستورالعملی طراحی و بر اساس آن نرم‌افزار تکمیل شد و برای اطمینان کار از نظرات خبرگان و کارشناسان نیز بهره‌گیری شد. این کار از طریق تکمیل فرمی مانند جدول ۲ برای هر نهاد فرهنگی صورت گرفت.

۱۳۰ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

جدول ۲. فرم اطلاعات نهادهای فرهنگی

نام نهاد فرهنگی:

سیاستگذاری	
توسط	برای
برنامه‌ریزی و نظارت	
توسط	برای
پشتیبانی تخصصی	
توسط	برای
پشتیبانی عمومی	
توسط	برای

امضاء

نام و نام خانوادگی تکمیل‌کننده :

به منظور ساماندهی اطلاعات نهادهای فرهنگی کشور بانک اطلاعاتی نهادهای فرهنگی طراحی شد. این بانک با استفاده از زبان برنامه‌نویسی Java و بانک اطلاعاتی Access طراحی و پیاده‌سازی شد و شامل سه منوی اصلی است که عبارتند از:

۱. مشخصات نهادهای فرهنگی

۲. تعاملات نهادهای فرهنگی

۳. راهنما

اگر پس از راه‌اندازی بانک، از منوی مشخصات نهادهای فرهنگی، بر روی بخش مشاهده بانک اطلاعاتی کلیک شود، جهت ورود و ویرایش اطلاعات فرمی مانند تصویر ۱ ظاهر می‌شود.

تحلیل وضعیت موجود ساماندهی نهادهای فرهنگی کشور ... ■ ۱۳۱

تصویر ۱. فرم اطلاعات نهادهای فرهنگی کشور

پس از اینکه اطلاعات مربوط به نهادهای فرهنگی و نحوه تعامل آنها با یکدیگر بر اساس این فرم تکمیل شد، جهت مشاهده نحوه روابط بالادستی بین آنها از منوی تعاملات نهادهای فرهنگی و با یک کلیک نمودار درختی بالادستی نهادهای فرهنگی، مانند تصویر ۲ ظاهر می شود.



تصویر ۲. منوی مشخصات و تعاملات

۱۳۲ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

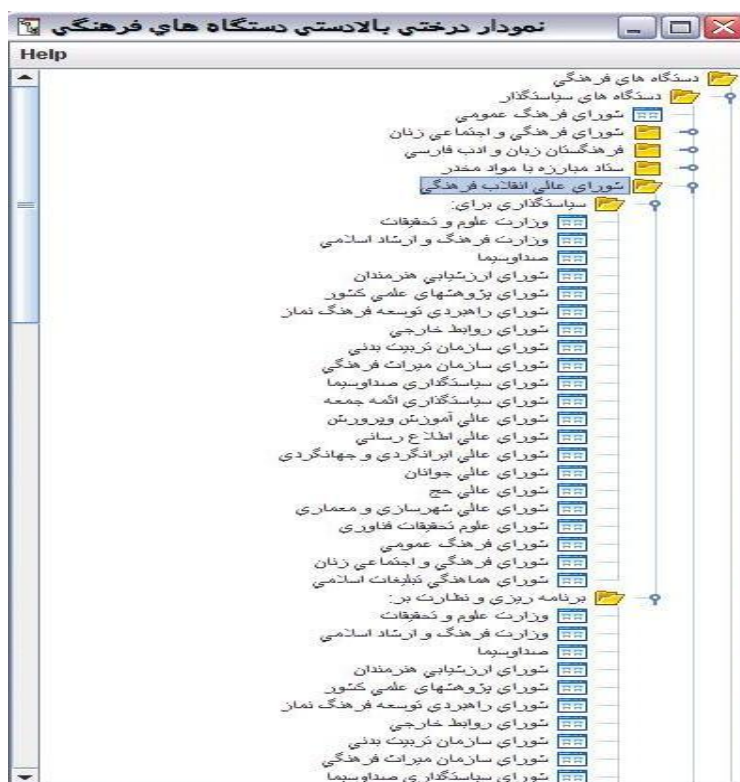
طبق این نمودار می‌توان با کلیک کردن روی هر یک از پوشه‌ها نهادهای فرهنگی مرتبط را مشاهده کرد. برای مثال با کلیک روی پوشه نهادهای سیاستگذار فهرست آن به صورت تصویر ۳ مشاهده می‌شود.



تصویر ۳. نهادهای فرهنگی سیاستگذار

وجود پوشه در ابتدای هر نام بدین معنی است که سطح پایین تر دیگری نیز وجود دارد. در سطح بعدی نحوه ارتباط این نهادهای فرهنگی با سایر نهادها مشخص می‌شود. به عنوان مثال با کلیک کردن روی شورای عالی انقلاب فرهنگی، فهرست نهادهای فرهنگی که این شورا برای آنها سیاستگذاری می‌کند، طبق تصویر ۴ نشان داده می‌شود.

تحلیل وضعیت موجود ساماندهی نهادهای فرهنگی کشور ... ■ ۱۳۳



تصویر ۴. نهادهایی که شورای عالی انقلاب فرهنگی برای آنها سیاستگذاری می‌کند.

همچنین در این بانک فهرست نهادهایی که این شورا برای آنها برنامه‌ریزی و نظارت و یا از آنها پشتیبانی تخصصی و عمومی می‌کند، نیز قابل مشاهده است.

تحلیل وضع موجود

قبل از بیان نتایج حاصله در این تحقیق باید اشاره داشت که ارائه تحلیلی جامع و قاطع مستلزم زمان بیشتر، مشارکت فعالانه نهادها و دقت در تکمیل بانک اطلاعاتی بود. زیرا در حال حاضر مشکلات و محدودیت‌های ذیل وجود دارد:

۱۳۴ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

۱. برای بسیاری از نهادهای فرهنگی مستندات قابل اتکاء و اعتمادی وجود نداشت و یافت نشد.

۲. در برخی از موارد اطلاعات مربوط به شرح وظایف و اساسنامه نهادهای فرهنگی ناقص و یا قدیمی بود و این موضوع، کار استنباط از مستندات در خصوص تبیین نقش و روابط نهادهای فرهنگی را دشوار می‌کرد.

۳. تعیین نقش نهادهای فرهنگی و روابط بین آنها را به لحاظ سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت، پشتیبانی تخصصی و عمومی (از سوی چه نهادی و برای چه نهادی) کار آسانی نبود. زیرا تحلیل بر اساس مستندات با تحلیل بر اساس اجرا متفاوت بود. مثلاً بر اساس مستندات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مسئولیت اداره امور حج را دارد (بند ۹ شرح وظایف آن) در حالی که در واقعیت این وزارت‌خانه در اجرای امور حج نقش مهم و اساسی ندارد.

۴. در تدوین شرح وظایف نهادهای فرهنگی، واژگان به درستی انتخاب نشده‌اند. مثلاً یک نهاد فرهنگی کاملاً عملیاتی و خرد (از لحاظ سازمانی) در شرح وظایف خود از واژه سیاستگذاری استفاده کرده است. در حالیکه شأن یک سازمان صف قاعداً سیاستگذاری نیست. نظیر این ابهامات متعدد دیده می‌شود.

در این مطالعه تعداد ۴۵۵ نهاد فرهنگی کشور شناسایی شدند که جهت بررسی بهتر از روش گروه‌بندی استفاده شد. بدین شکل که نهادهای مشابه مانند مساجد، کتابخانه‌ها و پایگاه‌های بسیج در یک طبقه و گروه قرار گرفتند. (گودرزی، ۱۳۸۷)

سپس نهادها به دو دسته مستقل و وابسته تقسیم شدند. منظور از نهاد فرهنگی مستقل، نهادی است که از لحاظ تشکیلاتی به نهادهای فرهنگی دیگر وابستگی ندارد. البته در این تقسیم‌بندی مناقشه‌ای نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال آیا می‌توان وزارت‌خانه‌ای مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را واقعاً مستقل دانست درحالی‌که این مجموعه تحت نظارت و مرتبط با دولت است؟ با وجود این‌گونه تردیدها، در این تحقیق چنین مواردی را مستقل

فرض کردیم.

با وجود این نکات در تحلیل وضع موجود، اطلاعات کمی ذیل مطرح می‌شود:

۱. تعداد ۳۱ ساختار (۶/۸۲ درصد) سیاستگذاری می‌کنند.
۲. تعداد ۹۲ ساختار (۲۰/۲۶ درصد) برنامه‌ریزی می‌کنند.
۳. تعداد ۴۲۵ ساختار (۹۳/۶۱ درصد) پشتیبانی عمومی می‌کنند.
۴. تعداد ۴۳۶ ساختار (۹۶/۰۳ درصد) پشتیبانی تخصصی می‌کنند.
۵. تعداد ۲۹ ساختار (۶/۳۸ درصد) سیاستگذاری و برنامه‌ریزی می‌کنند.
۶. تعداد ۱۶ ساختار (۳/۵۲ درصد) سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی عمومی و

پشتیبانی تخصصی می‌کنند.

۷. تعداد ۲۸ ساختار (۶/۱۶ درصد) در زمینه آموزشی فعالیت دارند.
۸. تعداد ۳۵۹ ساختار (۷۹/۰۷ درصد) در زمینه پژوهشی فعالیت دارند.
۹. تعداد ۱۲۵ ساختار (۲۷/۵۳ درصد) در زمینه تبلیغی فعالیت دارند.
۱۰. تعداد ۱۶ ساختار (۳/۵۲ درصد) در زمینه آموزشی و پژوهشی فعالیت دارند.
۱۱. تعداد ۶۳ ساختار (۱۳/۸۷ درصد) در زمینه تبلیغی و پژوهشی فعالیت دارند.
۱۲. تعداد ۸ ساختار (۱/۷۶ درصد) در زمینه آموزشی و تبلیغی فعالیت دارند.
۱۳. تعداد ۲ ساختار (۰/۴۳ درصد) در زمینه آموزشی، پژوهشی و تبلیغی فعالیت دارند.
۱۴. تعداد ۲۸ ساختار (۶/۱۶ درصد) زمینه فعالیت‌شان مشخص نیست.

۱۵. تعداد در مجموع ۴۳۶ ساختار (۹۶/۰۳ درصد) پشتیبان تخصصی شناسایی شده‌اند که:

- تعداد ۲۸ ساختار از این جمع، برای ساختارهای آموزشی پشتیبانی تخصصی می‌کنند.
- تعداد ۳۵۶ ساختار از این جمع، برای ساختارهای پژوهشی پشتیبانی تخصصی می‌کنند.
- تعداد ۱۶ ساختار از این جمع، برای ساختارهای آموزشی و پژوهشی پشتیبانی تخصصی

می‌کنند.

- تعداد ۱۱۱ ساختار از این جمع، برای ساختارهای تبلیغی پشتیبانی تخصصی می‌کنند.

۱۳۶ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

• تعداد ۶۳ ساختار از این جمع، برای ساختارهای تبلیغی و پژوهشی پشتیبانی تخصصی می‌کنند.

• تعداد ۸ ساختار از این جمع، برای ساختارهای آموزشی و تبلیغی پشتیبانی تخصصی می‌کنند.

• تعداد ۲ ساختار از این جمع، برای ساختارهای آموزشی، پژوهشی و تبلیغی پشتیبانی تخصصی می‌کنند.

۱۶. در مجموع ۴۲۵ ساختار (۹۳/۶۱ درصد) پشتیبان عمومی شناسایی شده‌اند که :

• تعداد ۲۴ ساختار از این جمع، برای ساختارهای آموزشی پشتیبانی عمومی می‌کنند.

• تعداد ۳۴۴ ساختار از این جمع، برای ساختارهای پژوهشی پشتیبانی عمومی می‌کنند.

• تعداد ۱۱۹ ساختار از این جمع، برای ساختارهای تبلیغی پشتیبانی عمومی می‌کنند.

• تعداد ۱۲ ساختار از این جمع، برای ساختارهای آموزشی و پژوهشی پشتیبانی عمومی می‌کنند.

• تعداد ۶۱ ساختار از این جمع، برای ساختارهای تبلیغی و پژوهشی پشتیبانی عمومی می‌کنند.

• تعداد ۶ ساختار از این جمع، برای ساختارهای آموزشی و تبلیغی پشتیبانی عمومی می‌کنند.

۱۷. در مجموع ۹۲ ساختار (۲۰/۲۸ درصد) برنامه‌ریز شناسایی شده‌اند که :

• تعداد ۱۱ ساختار از این جمع، برای ساختارهای آموزشی برنامه‌ریزی می‌کنند.

• تعداد ۴۷ ساختار از این جمع، برای ساختارهای پژوهشی برنامه‌ریزی می‌کنند.

• تعداد ۳۷ ساختار از این جمع، برای ساختارهای تبلیغی برنامه‌ریزی می‌کنند.

• تعداد ۱۰ ساختار از این جمع، برای ساختارهای آموزشی و پژوهشی برنامه‌ریزی می‌کنند.

• تعداد ۱۱ ساختار از این جمع، برای ساختارهای تبلیغی و پژوهشی برنامه‌ریزی می‌کنند.

تحلیل وضعیت موجود ساماندهی نهادهای فرهنگی کشور ... ■ ۱۳۷

- تعداد ۲ ساختار از این جمع، برای ساختارهای آموزشی و تبلیغی برنامه‌ریزی می‌کنند.
- تعداد ۲ ساختار از این جمع، برای ساختارهای آموزشی، پژوهشی و تبلیغی برنامه‌ریزی می‌کنند.

۱۸. در مجموع ۳۱ ساختار (۸/۶ درصد) سیاستگذار شناسایی شده‌اند که:

- تعداد ۷ ساختار از این جمع، برای ساختارهای آموزشی سیاستگذاری می‌کنند.
- تعداد ۱۷ ساختار از این جمع، برای ساختارهای پژوهشی سیاستگذاری می‌کنند.
- تعداد ۸ ساختار از این جمع، برای ساختارهای تبلیغی سیاستگذاری می‌کنند.
- تعداد ۷ ساختار از این جمع، برای ساختارهای آموزشی و پژوهشی سیاستگذاری می‌کنند.

- تعداد ۳ ساختار از این جمع، برای ساختارهای تبلیغی و پژوهشی سیاستگذاری می‌کنند.
- تعداد ۱ ساختار از این جمع، برای ساختارهای آموزشی و تبلیغی سیاستگذاری می‌کنند.

نتیجه‌گیری

علاوه بر نتایج کمی ارائه شده در این تحقیق، در یک نتیجه‌گیری کلان، در این مقاله بایستی به نکات ذیل اشاره داشت:

۱. مهندسی فرهنگی یک موضوع مهم، راهبردی و مبتنی بر ماهیت انقلاب اسلامی است که هدف اصلی آن راهبری منطقی، فهیم و آینده‌نگرانه فرهنگ کشور است.
۲. در حال حاضر تعدادی از مجموعه‌ها و نهادهای فرهنگی یافت می‌شود که نقش سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی عمومی و تخصصی برای امور فرهنگی را بر عهده دارند بدون آنکه این وظیفه در قبال سازمان مشخصی باشد.
۳. در برخی از موارد برای یک مسئله فرهنگی دو مجرای سیاستگذاری و یا برنامه‌ریز لحاظ شده است. مثلاً استاد اقامه نماز، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها و وزارت علوم و تحقیقات و فناوری مسئولیت سیاستگذاری در مسئله نماز و گسترش روحیه معنویت در

۱۳۸ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

دانشگاه‌ها را بر عهده دارند.

۴. بین عملکرد و کارکرد نهادهای فرهنگی تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود.

۵. در بسیاری از موارد وابستگی بین نهادها کاملاً تعریف شده نیست.

۶. اطلاعات و داده‌های مربوط به نهادهای فرهنگی اعم از کارکردی و عملکردی به‌روز

نیست یا در مواردی اصلاً موجود نیست.

منابع و مأخذ

- خالقی، مهدی، (۱۳۸۶)، «طراحی مدل ارزیابی سازمانهای فرهنگی»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- گودرزی، غلامرضا، (۱۳۸۷)، «تأملی در مفهوم و مبانی مهندسی فرهنگی کشور»، طرح تحقیقاتی در شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- _____ . (۱۳۸۴)، «طراحی مدل آینده‌نگری مدیریت بحران با تأکید بر بحران فرهنگی»، کمال مدیریت.
- ناظمی اردکانی، مهدی، (شهریور ۱۳۸۵)، «مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی و مدیریت کشور»، شورای عالی انقلاب فرهنگی.